همه چيز درست پيش ميرود

باگوان عزيز:اگر تمـام تـاريخ دنيا را مي شد در يك سـال فشرده كرد، با ما كه در انتهاي آن سال عظيم ايستاده باشيم، چـــنين به نظر خواهد آمـــد: زمين در روز اول ژانويه شـــكل گرفت،فقط در مـاه دسـامبر بـود كه قـاره ها شـروع كردند به شكل گيري خود در موقعيت كنـوني. دايناسـورها در حـدود پنج روز قبل از پايان سال منقرض شدند و انسـان، تا حـوالي ظهر روز سي و يك دسـامبر، هنـوز از ميمـون ها به تكامل نرسـيده اســت. از جــايي كه ما ايســتاده ايم ، در نيمه شب ســال نو ، عصر يخي فقط يك دقيقه پيش اتفاق افتاد و بـودا و لائـوتزو و سقراط فقط هفده ثانيه قبل ظـاهر شـدند. تمـام عصر جديـد، بعد از كـارل مـاركس، در آخـرين ثانيه قبل از نيمه شب اتفـاق افتاد. وقتي به شما به عنـوان تـاج باشـكوه اين سـال طـولاني نگـاه مي كنم، به نظـرم مي رسد كه چه نـوروزي باشد و چه نباشد، آن آزمايش موفق شده است.

نـوروزي، New Year's day a خواهد بـود. نيروهـاي تاريكي شايد بزرگ باشـند، ولي حـتي تـاب تحمل يك شـعله ي شمع را هم ندارند. بزرگي آن ها فقط در ظاهر است، زيـرا در اساس تاريكي از خودش وجودي ندارد. فقط غيبت نور اســت. نــور موجــوديت خــودش را دارد و داشــتن موجوديــتي از خــود است كه نيروي واقعي است.

طلــوع حتمــاً خواهد آمــد. شب شــايد طــولاني باشــد. پريشاني شايد عظيم باشد. شايد تاريكي بيشتر و بيشتر شـود، ولي هيچ چـيز نمي تواند مـانع از دميـدن انسـان جديد در افق شـود.به نـوعي، او پيشـاپيش آمـده اسـت، فقط بايد تشـخيص داده شود.

يك نكته را بايد هميشه به يــــــــاد داشت كه هرآنچه كه ويرانگر است، ناتوان است. فقط خلاقيت است كه نيرو دارد و تواناســت.نفــرت، خشــم، حســادت، اضــطرار ، شــايد اين ها لحظـاتي برتو چـيره شـوند و شـايد فكر كـني كه همه چـيز از دست رفته اسـت، ولي تمـام اين چيزها نـاتوان هسـتند. آن ها نمي تواند آن وجود ازلي را در تو نابود كنند.

درواقــــع، اوضـــاع امــــروز طـــوري است كه از هميشه ويرانگرتر است.ولي آنگونه كه من مي بينم، شـايد اين بركـتي در لباس مبـدل باشـد.خـود سـلاح هـاي اتمي، جنگ را منسـوخ كرده اند. جنگ بي معـني اسـت. جنگ جهـاني سـوم نمي تواند وجود داشته باشد و تمامي اعتبـار اين امر مـديون سـلاح هـاي اتمي است ، زيـــرا اينك داشـــتن يك جنگ بي فايـــده اســـت. هيچكس فـــاتح نخواهد بـــود، هيچكس شكست نخواهد خـــورد، همه چـيز نـابود خواهد شـد. جنگ جهـاني سـوم يك خودكشي جهاني خواهد بود و زندگي آماده نيست كه دست به خودكشي بزند زندگي خواهان زندگي بيشتر است. عشق، خواهان عشق بيشـتر اسـت. در جهـان هسـتي هرآنچه كه زيباست و واقعي، ميلي دروني به انبساط و گسترش دارد.

پس من با قـــاطعيتي مطلق مي تـــوانم بگـــويم كه جنگ جهاني سـوم هرگز رخ نخواهد داد. ولي اين فرصـتي بـزرگ را فراهم ساخته است، يك فشار بر معرفت انساني،

كه اگر همينگونه خواب آلوده بماني، خطرناك اسـت. بايد كاري كرد تا آگاهي بيشتر، عشق بيشـتر و نـور بيشـتري آورده شود. سـلاح هـاي اتمي از دو طريق خـدمت مي كننـد. نخست اينكه وقوع جنگ جهاني سوم را ناممكن كـــرده اند و دوم اينكه انسان را بيدار كرده اند تا به سوي معرفتي بهـتر و يك زنـدگي با هماهنگي بيشتر رشد كند.

تاجايي كه من مي توانم ببينم، همه چيز درست پيش مي رود.